طمع در شالی کوبی

یک شالی کار مدعی شد صاحب یک کارخانه شالی کوبی در یکی از روستاها با اهمال کاری و البته طمع حاصل دسترنج چندین شالی کار را به باد داد و کارشان به قانون کشید. به گزارش خبرنگار ما صاحب یک کارخانه شالی کوبی در یک اقدام عجیب به جای این که برنج را چند روز در خشک کن کارخانه نگه دارد زمان آن را به ۲۴ساعت و البته با حرارت یک مرحله و زیاد کاهش داد که این کار او خسارت زیادی را به چند شالی کار وارد کرد. یکی از شالی کاران خسارت دیده در این باره مدعی شد: چندین تن شالی ام را برای تبدیل به برنج به یک کارخانه شالی کوبی تحویل دادم. صاحب شالی کوبی به خاطر طمع و سبقت گرفتن از بقیه رقیبان شالی های مرطوب من و چند تن دیگر را به جای این که چند روز در خشک کن کارخانه اش آن هم با حرارت دادن مرحله به مرحله نگه دارد این زمان را به ۲۴ ساعت کاهش داد. وی ادامه داد: زمانی که برنج را تحویل گرفتم متوجه شدم که از کیفیت لازم برخوردار نیست و به خاطر قرار گرفتن در حرارت زیاد بند بند و دو نیم تقسیم می شود. زمانی که به صاحب کارخانه اعتراض کردیم او با پذیرش اشتباهش فقط به یک عذرخواهی بسنده کرد. بعد از این اتفاق به خاطر احقاق حق مان به همراه چند شالی کار خسارت دیده قصد شکایت از او را داریم.

ماجرای کودک بی سرپرستی که حالا مربی بچه های بی سرپرست است

نگاه های جانکاه به کودکان بی سرپرست

یوسف صدیقی

در گوشه و کنار این سرزمین مراکز متعددی وجود دارند که بچه های تحت پوشش زیر ۱۸ سال شان از درد بزرگی رنج می برند؛ نداشتن جمعی به نام خانواده یا نداشتن سرپناهی به نام خانه. یکی از بچه های مرکز حمایتی خراسان شمالی حالا ۱۸ سالگی اش را پشت سر گذاشته است و برای خودش خانه ای مستقل دارد. بعد از سال ها تنهایی توانسته با کمک مددکار ریشه خود را که خانواده اش است پیدا کند و با کمک آن مرکز و حمایت اعضای خانواده اش وارد دانشگاه شد و توانست با دریافت مدرک کارشناسی دانش آموخته شود و اکنون در یکی از مراکز حمایتی به عنوان مربی بچه های بی سرپرست مشغول به کار شده است. حالا برای فردایی که انتظارش را می کشد هدف بزرگی دارد و آن هم تشکیل خانواده و کمک به هم نوعانش است.

در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با فردی که این دوران را پشت سر گذاشته می خوانید.

کمی از دوران کودکی، خانواده ات و رنج هایی که در این دوره متحمل شدی تعریف کن.

از کودکی ام خاطره خوشی ندارم . پدر و مادرم هر دو به شیشه اعتیاد داشتند و به همین دلیل از هم جدا شدند. من در زندان به دنیا آمدم و تا ۴ سالگی با مادرم بودم. به گفته یکی از بستگان مادرم بعد از جدا شدن از پدرم هیچ منبع درآمدی نداشت و به خاطر اعتیاد شدیدش به جرم های مختلف از جمله سرقت رو آورد و بارها به زندان افتاد. در کش و قوس زندانی شدن مادرم من در زندان به دنیا آمدم و تا ۴ سالگی پیش مادرم بودم تا این که آخرین بار مادرم به خاطر سرقت زندانی شد و با سلب حضانت من از او و از طرفی نپذیرفتن سرپرستی من از سوی پدرم از طریق مراجع قضایی به یک مرکز در یکی از استان های هم جوار تحویل داده شدم. به خاطر سن کم تصوری از خانواده نداشتم و تا مقطع اول ابتدایی به خاطر جمع گروهی که با بچه های بی سرپرست داشتیم فقط در مرکز سر می کردم و زیاد دلتنگ کسی نمی شدم. دلتنگی هایم با مدرسه رفتن شروع شد چون تازه معنی پدر و مادر و خانواده را درک می کردم.

وقتی می دیدم بقیه دانش آموزان با پدر و مادرشان به مدرسه می آمدند و یا زمان برگشت به خانه با آنها همراه می شدند احساس خلأ شدیدی به من دست می داد. جرئت این را هم نداشتم که به خاطر مسخره شدن و یا به نوعی تابلو شدن در مدرسه پیش کسی بگویم که من بچه بی سرپرست هستم . بدتر از همه زمانی که معلم از من شغل پدر و مادرم را سوال می کرد گاهی اوقات سکوت می کردم و بعضی از مواقع هم چاره ای نداشتم و برای فرار از فشار آنها به دروغ پدرم را بازاری و مادرم را خانه دار معرفی می کردم. به خاطر همین شرایط زیاد تمایلی به رفتن به مدرسه نداشتم چرا که نوع نگاه های مدیران و معلمان مدرسه حقیرانه و ترحم آمیز بود.اول دبیرستان در کلاس فقط من با پسری که او هم بچه بی سرپرست بود دوست بودم. ما این واقعیت را از همه پنهان می کردیم تا این که روزی ناظم مدرسه جلوی جمع به ما گفت مگر در مرکز به شما نظم و انضباط یاد نمی دهند که اینقدر وقت نشناس هستید . به خاطر تکرار حرف های ناظم بچه ها متوجه موضوع بی سرپرستی ما شدند و بعد از این ماجرا تا یک هفته اینقدر من را مسخره کردند که ۱۶روز سر کلاس نرفتم تا این که با کمک تیم روان شناسی و مددکارها توانستم به خودم مسلط شوم و به مدرسه برگردم.

چرا در این سال هایی که در مرکز بودی به دنبال خانواده ات نرفتی؟

خیلی دلم می خواست ریشه ام را پیدا کنم اما به خاطر حمایت نکردن و امروز و فردا کردن مربی و پرسنل وقت آن مرکز توان این کار را نداشتم.

در مرکزی که قبل از انتقال به خراسان شمالی بودم برخوردهای تندی با من و امثال من داشتند چون در خوابگاه تعداد ما زیاد بود و همگی شیطنت بچگانه داشتیم.

چطور شد که بعد از این همه سال خانواده ات را پیدا کردی؟

زمانی که به دلایلی از مرکز قبلی که درآن بودم به یکی از مراکز خراسان شمالی منتقل شدم انگار وارد بهشت شدم. چرا که رفتار مددکاران مرکز جدید خیلی مودبانه و با احترام بود و به خواسته های بچه ها توجه می کردند. این رفتار ها باعث شکوفایی استعدادهایم شد. بعد از گرفتن دیپلم ام یک فاصله دو ساله تا رفتنم به دانشگاه ایجاد شد یا باید به خدمت سربازی می رفتم یا به دانشگاه. مددکار مرکز با درخواست من و با استفاده از کپی شناسنامه مادرم در پرونده ام راهی زادگاهم شد. مددکار با کمک شورای آن روستا خواهر و برادر ناتنی ام را پیدا کرد اما اثری از مادر و پدرم پیدا نکرد.

چه حسی زمان پیدا شدن خانواده ات داشتی؟

یک حس دوگانگی، خوشحالی و نگرانی در من ایجاد شده بود. از طرفی خوشحال بودم بعد از سال ها دوری و تنهایی می توانم خانواده و خواهر و برادرهایم را ببینم و از طرفی دیگر نگران بودم. البته فقط خواهر و برادرم را توانستم ببینم و از پدر و مادرم اثری پیدا نشد. با این که بعد از مدتی ردی از پدرم پیدا کردم اما به خاطر این که هیچ وابستگی و دلبستگی به او نداشتم مایل نبودم او را ببینم اما از مادرم هیچ نشانه ای پیدا نکردم. با کمک مرکز حمایتی و خواهر و برادر ناتنی ام وارد دانشگاه شدم و با گرفتن مدرک کارشناسی ام دانش آموخته شدم.

چطور شد وارد حرفه مددکاری و مربی کودکان بی سرپرست شدی؟

من دوران تلخی را پشت سر گذاشته بودم و می توانستم با بچه ها راحت ارتباط برقرار و آن ها را درک کنم به خاطر همین تصمیم گرفتم وارد این کار شوم. یک نوع درک متقابل از یکدیگر من را به این سمت کشاند و حس کردم می توانم دردی را که بچه های بی سرپرست کشیده اند با تمام وجودم حس کنم و مشکلات آن ها را راحت حل یا کمتر کنم.

چه نقشه ای برای آینده ات و چه حرفی با مردم داری؟

دلم می خواهد ازدواج کنم و تشکیل خانواده بدهم اما به علت نداشتن شرایط مالی و همچنین حمایت خانواده این امر تا حالا برایم محقق نشده است. البته یک بار به خواستگاری رفتم اما بعد از این که خانواده دختر متوجه شدند من بچه بی سرپرست هستم قبل از این که به من اجازه ورود به خانه را بدهند و حرفم را بشنوند بدون هیچ جواب قانع کننده ای دست رد به سینه ام زدند. نگاه های برخی مردم به یک بچه بی سرپرست حقارت آمیز و کمک کردن بعضی از مردم به این نوع بچه ها از روی ترحم است نه از سر دلسوزی صادقانه. باید مردم توجه داشته باشند که فردی که در این موقعیت قرار گرفته دست خودش نبوده و تصمیم گیرنده نبوده و اختیاری در این باره نداشته و این شرایط به او تحمیل شده است.

عبرت

انتظار برای پایان کابوس ۱۰ ساله

مضطرب و پریشان حال است. نگرانی را در چشمانش می توان دید. با آن که معتمد محل است اما یک لحظه عصبانیت پسر نوجوانش باعث شده به دادسرا بیاید. هر چند بیش از ۱۰ سال از درگیری ۲ پسرش می گذرد اما هنوز بابت آن بلاتکلیف است.

او تعریف می کند: پسر نوجوانم ۱۰ سال پیش هنگام بازی فوتبال در کوچه باعث ناراحتی زن همسایه و او که از سر و صدای بچه ها شاکی می شود با پرخاش به سمت نوجوانان می رود اما پسر من با او درگیر می شود. با شروع درگیری فرزندان او شروع به کتک زدن پسرم می کنند.

در این حین پسر بزرگترم وقتی می بیند برادر کوچکترش را کتک می زنند وارد درگیری می شود و وقتی می بیند که دو نفری از پس آنان بر نمی آیند چاقویی را از جیب اش خارج می کند و با آن ضربه ای به زن همسایه می زند. این مرد ادامه می دهد: بعد از این حادثه پسر بزرگم راهی زندان و در دادگاه محکوم به پرداخت ۷ میلیون تومان دیه شد. با توجه به بضاعت مالی مان دادگاه پرداخت مبلغ دیه را قسط بندی کرد و ما موظف شدیم ماهی ۵۰ هزار تومان به این خانواده پرداخت کنیم.

وی می گوید: اکنون که بیش از ۱۰ سال می گذرد ما علاوه بر ۷ میلیون تومان دیه ۸ میلیون تومان نیز به دلیل سود قسطی شدن بیشتر پرداخت کرده ایم اما اگر بخواهیم همین روند را ادامه بدهیم باید در مجموع ۱۷ میلیون تومان دیگر پرداخت کنیم. دیگر از این وضعیت خسته شده ایم و حالا از خانواده شاکی درخواست کرده ایم با دریافت مبلغی رضایت بدهند اما آن ها پول بیشتری می خواهند.

قاب حادثه

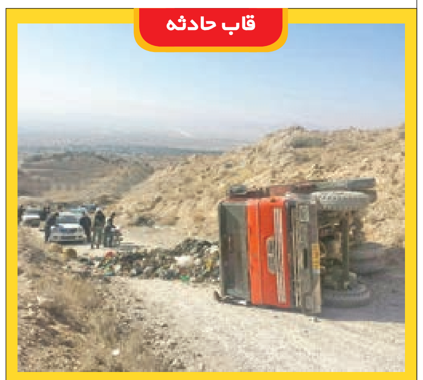

واژگونی کامیون حامل زباله در باباموسی

آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد رهنی)

بستانکار: شرکت کارخانجات خوراک دام و طیور گرگان دشت، محل ثبت: گرگان، به نشانی: گرگان کیلومتر ۲۲ جاده گرگان - گنبد ابتدای جنگل قرق کارخانه خوراک دام کدپستی: ۴۹۱۵۸۳۸۹۷۹ بدهکار: نعمت نصرانی نام پدر: رحمت اله، شماره ملی: ۰۶۳۸۴۳۷۴۸۲، شماره شناسنامه: ۱۰۷ به نشانی: اسفراین خیابان مطهری روبه روی شرکت گندم کاران متعهد: شرکت پاکمهر اسفراین سهامی خاص، محل ثبت: اسفراین، شماره ثبت: ۶۵۶، به نشانی اسفراین خیابان مطهری روبه روی شرکت گندم کاران به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۳۹۵۰۴۰۱۲۱۳۶۰۰۰۸۰۳/۱۱ و برابر درخواست بستانکار فوق به شماره اندیکاتور ۱۳۹۶۰۵۰۰۷۱۵۱۰۰۰۸۴۴ - ۱۳۹۶/۰۸/۱۳ نسبت به مزایده ۱- ششدانگ عرصه و اعیان یک باب مغازه تحت پلاک ثبتی ۱۳۴ فرعی مفروز از ۴۰ فرعی از ۷۴ اصلی قطعه یک اسفراین بخش ۵ بجنورد به مساحت ۳۶/۳۳ مترمربع ملکی آقای نعمت نصرانی فرزند رحمت اله به شماره شناسنامه ۱۰۲۲ و شماره ملی ۰۶۳۸۴۳۷۴۸۲، ششدانگ ثبت و سند مالکیت صادر شده است، حدود اربعه ملک: شمالاً به طول ۸/۶۰ متر به باقی مانده پلاک شماره ۴۰ فرعی شرقاً به طول ۴/۲۰ متر به پلاک ۱۳۵ فرعی جنوباً به طول ۸/۷ متر به پلاک ۱۳۵ فرعی و غرباً به طول ۴/۴۵ به خیابان انقلاب می‌باشد و یک واحد تجاری در همکف و اعیانی در طبقه اول به مساحت ۳۳/۳۶ مترمربع می باشد به نشانی: اسفراین خیابان انقلاب اسلامی نبش انقلاب ۱۴ که به مبلغ ۱/۲۳۵/۲۲۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده ۲- ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین محصور تحت پلاک ثبتی ۱۶۱ فرعی مفروز از ۴۰ فرعی از ۷۴ اصلی قطعه یک اسفراین بخش ۵ بجنورد به مساحت ۱۲۹ مترمربع ملکی آقای نعمت نصرانی فرزند رحمت اله به شماره شناسنامه ۱۰۲۲ و شماره ملی ۰۶۳۸۴۳۷۴۸۲، ششدانگ ثبت و سند مالکیت صادر شده است حدود اربعه ملک: شمالاً به طول ۶ متر به پلاک شماره ۱۴۶ فرعی شرقاً به طول ۱۹/۱۵ متر به پلاک ۱۳۱ فرعی جنوباً به طول ۸/۷ متر به کوچه و غرباً به طول ۱۷/۱ به پلاک ۱۳۵ فرعی می باشد حقوق ارتفاقی ندارد به نشانی اسفراین: خیابان انقلاب - داخل انقلاب ۱۴ قواره سوم به مبلغ ۵۱۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده: طالبین جهت شرکت در جلسه مزایده جهت اطلاع بیشتر درخصوص املاک مورد مزایده می توانند به شعبه اجراء ثبت اسناد و املاک اسفراین مراجعه نمایند. پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۳ در اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین - واقع در میدان ۲۲ مهر - بلوار شهید بهشتی از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبالغ قطعیت یافته فوق برای هر پلاک به تفکیک شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب، برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آن ها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از این که رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد. ضمناً چنان چه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

اکبر اقبالی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۹۶۱۷۳۱۲۶/و

کارت دانشجویی

اینجانب امیر حسین رحیمی فرزند رضا به شماره دانشجویی ۹۵۱۳۰۳۸۳۶۴ به کد ملی ۵۲۴۰۱۹۹۶۳۹ دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر از دانشکده فنی مهندسی اسفراین مفقود و فاقد اعتبار است.

۹۶۱۷۳۵۷۱/و

تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

یکی از دلایل مهم اثر بخش نبودن بعضی از تبلیغات، باور نداشتن تبلیغ توسط سفارش دهنده است.

آگهی مزایده (نوبت اول)

در مورد پرونده اجرائی کلاسه ۹۶۱۴۳۴/ش ۱ ح فیمابین محکوم له محمد نقی خسروشاه فرزند رضا و محکوم علیها خیرنسا خسروشاه فرزند محمد و غیره مبنی بر خواسته دستور فروش مال مشاع و مبلغ ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت نیم عشر دولتی در حق دولت و با عنایت به توقیف اموال غیرمنقول به مشخصات ذیل‌الذکر: ۱- مشخصات ملک - پلاک ثبت ۱۸۳ فرعی ۱۸۳ اصلی بخش یک بجنورد ملک مذکور در شعبه یک دادگاه حقوقی در حق محمد نقی خسروشاه توقیف می باشد و فاقد توقیفی دیگری می باشد، ۲- ملک توقیفی واقع در بجنورد کوچه سعدی (عزیز مصر) - پلاک ۹۵ - منزل خسروشاه و ملک فوق به صورت ۴دانگ مشاع به نام مرحوم حاج محمد خسروشاه و دو دانگ مشاع به نام همسرشان مرحومه صفیه خسروشاه می باشد لذا با توجه به این که ملک فوق دارای امتیاز آب، برق و گاز و ۲۰۰ مترمربع بنای قدیمی خشتی و سقف چوبی غیرقابل استفاده و خالی از سکنه می باشد ۴۰۱/۳ مترمربع عرصه با گذر ورودی ۱/۶ متر از ممر عام لذا با توجه به موقعیت ملک و گذر موجود ارزش هر متر عرصه مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش هر مترمربع اعیان ۱۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش امتیاز ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد گردیده لذا ارزش عرصه و اعیان و امتیازات ارزش عرصه ۲/۸۰۹/۱۰۰/۰۰۰ ریال ارزش اعیان ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش امتیازات و محوطه سازی ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزش عرصه و اعیان و امتیازات و محوطه سازی ششدانگ پلاک فوق جمعاً به مبلغ ۲/۸۴۹/۱۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده لذا ارزیابی ملک مورد نظر برابر توضیحات و با توجه به مقدار زیربنا و موقعیت ملک موثر در ارزیابی و جمیع عوامل توسط کارشناس محترم دادگستری به مبلغ ۲/۸۴۹/۱۰۰/۰۰۰ ریال (دو میلیارد و هشتصد و چهل و نه میلیون و یکصد هزار ریال) کارشناسی گردیده است و اینک پس از سیر مراحل قانونی مقرر گردیده که اموال توقیفی در روز دوشنبه مورخ ۹۶/۰۹/۲۰ رأس ساعت ۱۰ الی ۱۰/۳۰ و از طریق مزایده حضوری در محل اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد به فروش برسد، بنابراین متقاضیان شرکت در جلسه مزایده می توانند پنج روز قبل از موعد مقرر در این اجرا حاضر و از کم و کیف موضوع مطلع و در صورت تمایل از مورد مزایده بازدید نمایند. بدیهی است مزایده از قیمت ارزیابی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد و ده درصد مبلغ پیشنهادی فی المجلس از برنده مزایده اخذ و مابقی مبلغ نیز ظرف یک ماه وصول خواهد شد و در صورت عدم پرداخت الباقی (نود درصد) در مهلت مقرر، مبلغ تودیعی پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد.

۹۵۸۷/م الف **دادورز شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد - عطارد** ۹۶۱۷۳۲۲۱/و